

*Research Article*

## A Comparative Study of the Poems of Hafez Ibrahim and Abolghasem Lahouti Based on populism

Abdolahad Gheibi<sup>1\*</sup>, Nasren Hosseini Tavana<sup>2</sup>

### Abstract

Populism emerged as a political movement aimed at paying attention to people. In the era of the Egyptian and Iranian constitutional movement, Hafiz Ebrahim and Abolqasem Lahouti are the Populist poets whose thoughts are observed in their poems and both of them are known as National and patriotic poets. The two poets devote most of their poems to people and their problems. The present paper seeks to analyze the populist ideas in the poems of the two poets using analytical- descriptive method and to demonstrate that how much these thoughts appear in their poems. It should be noted that people and problems such as the phenomenon of poverty, lack of freedom of expression, people's invitation to fight against colonialism and tyranny, struggle and opposition to any social inequality and the ideal center are common themes in the poetry of these two poets.

**Keywords:** Populism, People, Colonialism, Tyranny, Freedom, Poverty

**How to Cite:** Gheibi A, Hosseini Tavana N., A Comparative Study of the Poems of Hafez Ibrahim and Abolghasem Lahouti Based on populism, Quarterly Journal of Comparative Literature Studies, 2025;18(72):1-19.

1. Professor, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran

2. M.A, Student of Arab Language and Literature, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran

## بررسی تطبیقی اشعار حافظ ابراهیم و ابوالقاسم لاهوتی بر مبنای پوپولیسم

عبدالاحد غیبی<sup>۱</sup>، نسرين حسینی توانا<sup>۲</sup>

### چکیده

پوپولیسم به عنوان یک جریان سیاسی با هدف توجه به مردم به وجود آمد. پوپولیست‌ها با هرگونه نابرابری اجتماعی - اقتصادی مخالف، و خواستار کانون آرمانی در جامعه بودند. حافظ ابراهیم و ابوالقاسم لاهوتی از جمله شاعران معاصر ایران و مصر هستند که تفکرات پوپولیستی در اشعارشان مشاهده می‌شود. این شاعران بنا به مقتضای فضای سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه، بیشتر اشعار خود را به مردم و بیان مشکلات آنان اختصاص داده‌اند. مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی، اندیشه‌های پوپولیستی را در اشعار این دو شاعر مورد بررسی قرار داده و گذشته از بیان اشتراکات فکری در آثار این دو شاعر، نشان می‌دهد که اندیشه پوپولیستی تا چه اندازه و با چه هدفی در اشعار آنان نمود یافته است. نتیجه پژوهش حاکی از این است که مردم و موضوعاتی نظیر پدیده فقر، فقدان آزادی بیان، دعوت مردم برای مبارزه با استعمار و استبداد، مبارزه و مخالفت با هرگونه نابرابری اجتماعی و کانون آرمانی از بن‌مایه‌های مشترک در شعر این دو شاعر به شمار می‌رود.

**واژگان کلیدی:** پوپولیسم، مردم، استعمار، استبداد، آزادی، فقر

۱. استاد، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

۲. کارشناس ارشد رشته زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

ایمیل: [Abdolahad@azaruniv.ac.ir](mailto:Abdolahad@azaruniv.ac.ir)

نویسنده مسئول: عبدالاحد غیبی

## مقدمه و بیان مسئله

پوپولیسم زمانی در جامعه‌ای رخ می‌دهد که مردم از طبقات اجتماعی، سیاست‌های خودکامه رهبران و وجود خفقان استبداد و استعمار در جامعه به ستوه آمده باشند؛ مردم با یکپارچگی و اتحاد به مقابله با این نابرابری‌های اجتماعی برمی‌خورند و خواستار تشکیل جامعه‌ای آرمانی هستند. هسته‌ی اولیه پوپولیسم در آمریکای لاتین و روسیه به وجود آمد اما نبود آزادی بیان و عمل، ظلم و استبداد توسط رهبران حکومت باعث شد تا این پدیده به بیشتر کشورهای جهان تعمیم پیدا کند. از جمله کشورهایی که گرایش به پوپولیسم در آن‌ها مشاهده می‌شود مصر و ایران بود. حضور فعال استعمارگران در دوره‌ی نهضت و مشروطه، و وجود استبداد در جامعه، تضاد طبقاتی و فقر در دو کشور ایران و مصر باعث شد این جنبش پای به عرصه‌ی ادبیات بگذارد.

ابوالقاسم لاهوتی و حافظ ابراهیم از جمله شاعران معاصر ایران و مصر هستند که کانون مرکزی اشعارشان را مردم و مشکلاتشان تشکیل داده است؛ از دغدغه‌های اصلی این دو شاعر برابری، آسایش و آرامش برای هموطنانشان است. در این پژوهش سعی بر این است با روش تحلیلی-توصیفی به بررسی و تحلیل اشعار حافظ ابراهیم و ابوالقاسم لاهوتی بر مبنای پوپولیسم پرداخته شود. این پژوهش با نگاهی سیاسی و ادبی به اشعار این دو شاعر در پی آن است جریان سیاسی و ادبی پوپولیسم را در اشعار ایشان مورد واکاوی قرار دهد و نشان دهد گرایش به پوپولیسم در این کشورها چگونه بوده است و بازخورد آن در آثار شاعران به چه شکل تجلی یافته است.

پرسش‌های این پژوهش عبارت‌اند از:

- پوپولیسم در اشعار حافظ ابراهیم و ابوالقاسم لاهوتی در چه موضوعاتی نمود پیدا کرده است؟
- هر دو شاعر در به کارگیری مفهوم ادبی پوپولیسم تا چه حد موفق بوده و توانستند مردم را با افکار و اندیشه‌های خویش همراه سازند؟

## پیشینه تحقیق

درباره پیشینه تحقیق لازم است بیان شود که تاکنون پژوهشی با عنوان «بررسی و تحلیل اشعار حافظ ابراهیم و ابوالقاسم لاهوتی بر مبنای پوپولیسم» صورت نگرفته است اما در ارتباط با این دو شاعر و موضوع پوپولیسم در ادبیات عربی و فارسی، پژوهش‌هایی به رشته‌ی تحریر در آمده است که به ذکر چند نمونه که با موضوع مقاله حاضر ارتباط نزدیکی دارند بسنده می‌شود: مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی اندیشه‌های پوپولیستی در شعر میرزاده عشقی و احمد شوقی» توسط حسین صدقی و فاطمه معنوی در مجله‌ی کاوش نامه ادبیات تطبیقی در سال ۱۳۹۵ به چاپ رسیده که نویسندگان در این پژوهش به صورت تطبیقی به اندیشه‌های پوپولیستی در اشعار این دو شاعر پرداخته و وجوه اشتراک و

افتراق اندیشه‌های این دو شاعر را بیان کرده‌اند. مقاله‌ای دیگری تحت عنوان «بررسی تطبیقی پوپولیسم در چند داستان کوتاه منتخب از علی اشرف درویشیان و نجیب محفوظ توسط حمیدرضا مشایخی و مریم پارسا در نشریه ادبیات تطبیقی دانشگاه شهید باهنر کرمان به سال ۱۳۹۴ چاپ شده که نویسندگان در این پژوهش، مفاهیم پوپولیستی را در آثار این دو شاعر مورد بررسی قرار داده‌اند. در مورد اشعار حافظ ابراهیم و ابوالقاسم لاهوتی پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی مضامین شعری حافظ ابراهیم و ابوالقاسم لاهوتی» توسط حنیفه پرسا در دانشگاه شهید مدنی آذربایجان در سال ۱۳۹۵ به نگارش در آمده که پژوهشگر در این پژوهش، مضامین شعری این دو شاعر را مورد بررسی قرار داده است. همچنین پژوهش‌های مستقلی در خصوص اشعار این دو شاعر صورت گرفته که از آن جمله مقاله‌ای با عنوان «ادبیات اعتراض در شعر جمیل صدقی الزهلولی و ابوالقاسم لاهوتی» توسط علی گنجیان خناری و همکاران در مجله‌ی کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی در سال ۱۳۹۵ به چاپ رسیده است که نویسندگان در آن، ادبیات اعتراض در آثار شاعران مورد نظر را که شامل اعتراض به حضور استعمارگران، غفلت و... است را مورد بررسی قرار داده‌اند. در مورد ابوالقاسم لاهوتی نیز، پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «نقد و تحلیل جامعه‌شناختی اشعار ابوالقاسم لاهوتی» توسط ندا سهرابی در دانشگاه بیرجند به سال ۱۳۸۹ نوشته شده است که نویسنده مفاهیمی همچون آزادی و عدالت را در اشعار شاعر مورد بررسی قرار داده است.

### پوپولیسم

اصطلاح پوپولیسم ریشه در واژه پوپولس (*populous*) به معنی مردم دارد. مفهوم پوپولیسم در اواخر قرن نوزدهم، برای اولین بار برای توصیف حزب مردم آمریکا و ناردونیک‌ها در روسیه به کار گرفته شد (اشرف‌نظری و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۵۷-۱۸۵). زنان و مردان جوان در روسیه با حرکتی خودجوش از شهرها روانه‌ی روستاها شدند و با چشم‌اندازی انقلابی خواستار تغییرات اساسی در کشور و دگرگونی نظم کهن بودند و می‌کوشیدند با فراخواندن مردم به کیش خود آنها را آموزش دهند، اما هدف اصلی-شان به شورش واداشتن دهقانان بر ضد رژیم تزاری بود (ناگارت، ۱۳۸۱: ۷۴).

ویژگی کلی پوپولیسم عبارتست از: ۱. پوپولیست‌ها مردم را در کانون جای می‌دهند و کانون به ساخته‌ها و خاطرات مردم معنا می‌بخشد. ۲. دشمنی پوپولیست‌ها با نظام‌های سیاسی مبتنی بر نمایندگی. ۳. تاثیرپذیری و هم‌رنگی پوپولیسم با محیط خود (همان: ۸-۱۸). ۴. پوپولیسم مخالف نابرابری اجتماعی و اقتصادی است که مسبب آن نهادهایی هستند که با آنها سرستیز دارد (رحیق-اغصان، ۱۳۸۴: ۸۴). ۵. فراخوانی توده مردم به اعمال فشار مستقیم بر حکومت (ابوطالبی، ۱۳۸۷: ۵۶).

## نمودهای پوپولیسم ادبی در اشعار حافظ ابراهیم و ابوالقاسم لاهوتی

### مردم

از دغدغه‌های اصلی افکار پوپولیستی، مردم است. در میان پوپولیست‌ها، مردم نقش محوری دارند و از اهداف اصلی آنان بیان مصائب و مشکلات ملت و بدست آوردن حقوق از دست رفته‌ی آنان است. پوپولیست‌ها خود را از آن مردم معمولی می‌دانند و معتقدند از مردم عادی است که شعور متعارف پدید می‌آید (تاگارت، ۱۳۸۱: ۱۴۶). هم زمان با نهضت و مشروطه خواهی، مضامین ادبی جدید که نقش اصلی آن مردم بود به ادبیات راه یافت و شاعران معاصر مصر و ایران در اشعارشان به معضلاتی که گریبان‌گیر مردم بود، پرداختند. حافظ ابراهیم و ابوالقاسم لاهوتی در این زمینه اشعاری با مضامین مشترکی سروده‌اند که به ذکر چند نمونه می‌پردازیم. ابراهیم در مورد مشقت و فقر مردم می‌گوید:

نبکی علی بلدٍ سألَ النَّصارُ بِهِ      للوافدین وأهلوه علی سَعَبٍ

(ابراهیم، ۱۹۸۷: ۲۶۸)

«بر کشوری گریه می‌کنیم که طلا در آن برای بیگانگان جاری است در حالی که اهلس در گرسنگی هستند».

لاهوتهی هم در این باره با مضمون نظیر آنچه در شعر حافظ ابراهیم دیدیم چنین ندا سر می‌دهد:

بر سفره تو میان مردم      نه نان جو و نه نان گندم  
بر مطبخ شاهزاده و خان      از جوجه و قیمه و فسنجان  
بیچاره تو هر دوازده ماه      همراه غمی و همدم آه

(لاهوتهی، بی‌تا/دیوان: ۱)

هر دو شاعر زندگی مردم را به تصویر می‌کشند که استعمار و بی‌مسئولیتی حاکمان، فقر را بوجود آورده است. شاعران از رنج و مشکلات مردم باخبر بودند چون در میان ملت زندگی می‌کردند به خوبی توانسته‌اند رنج‌های آن زمان را در اشعارشان بازتاب دهند و در بیدار ساختن مردم نقش بسزایی ایفا کنند. هر دو شاعر معتقدند که نتیجه فقر، مرگ است؛ ابراهیم و لاهوتی این موضوع را بدین شکل در اشعارشان بازتاب داده‌اند:

أصلِحُوا أَنْفُساً أَصْرَ بِهَا الْفَقْدُ      رُ وَأَحْيَا بِمَوْتِهَا الْإِثَامَا

(ابراهیم، ۱۹۸۷: ۳۱۶)

«جان‌هایی را که فقر به آنها ضرر رسانده و با مرگ آنان گناهان زنده گشته است، اصلاح کنید».

شاعر از مسئولان می‌خواهد روح و روان‌هایی را که از فقر ضربه خوردند، اصلاح کنند. پدیده‌ی فقر از مهمترین مشکلاتی است که ممکن است هر جامعه‌ای را درگیر خود کند. بیشتر مشکلات کشور مصر از استعمار انگلیس شروع شد و این استعمار خسارت‌های جبران ناپذیری از جمله فقر را به وجود آورد و این امر منجر شد که مردم سال‌های متمادی در سختی زندگی کنند و آرزویشان مرگ باشد. لاهوتی هم به بی‌تدبیری حاکمان اشاره می‌کند و آنان را خطاب قرار داده و می‌گوید:

میگفت تو از گرسنگی دیده ببستی  
من عهد نمودم که اگر نان بکف آرم  
اول بسر قبر عزیز تو بیارم  
برخیز که نان بخشمت و جان بسپارم

(لاهوتی، بی‌تا/ دیوان: ۴)

ابراهیم در اشعارش درد و انواع مشکلات و ناامیدی را جمع کرده بود؛ او کسی نبود که فقط بر مشکلات خود واقف باشد بلکه او در مصائب مردمش شریک بود و مشکلات آنان را می‌شنید و در اشعارش بازتاب می‌داد (الفخوری، بی‌تا: ۱۴۹). وی در قصیده «فی الحثّ علی تعضید مشروع الجمعه» فقر را توصیف و در پی نجات دادن وطنش از این وضعیت اسف بار است:

يَبْكِي عَلَيْهِ وَفِي يَمْنَاهُ أَرْغَفَةٌ  
لَوْ شَامَهَا جَائِعٌ مِنْ فَرْسَخٍ وَتَبَا  
فَقَالَ قَوْمٌ وَقَدْ رَفُّوا لِذِي أَلَمٍ  
يَبْكِي، وَذِي أَلَمٍ يَسْتَقْبِلُ الْعَطْبَا  
مَا حَطَبُ ذَا الْكَلْبِ؟ قَالَ: الْجُوعُ يَخْطِفُهُ  
مَنْنَى وَيُنْشِبُ فِيهِ النَّابَ مُعْتَصِبَا

(ابراهیم، ۱۹۸۷: ۲۷۴)

«گریه می‌کند در حالی که در دست راستش قرص‌های نانی است که اگر شخص گرسنه‌ای آن را از چند فرسخی ببوید، به وجد می‌آید. گروهی، در حالی که دلسوزی می‌کردند نسبت به شخص دردمندی که گریه می‌کرد و همچنین نسبت به صاحب درد و مشکلاتی که در شرف نابودی است، گفتند. صاحب این سگ چه می‌گوید؟ گفت: گرسنگی او را از من می‌رباید و چون غصب کننده، دندان را در آن فرو می‌برد».

لاهوتی هم، زندگی قشر ضعیف جامعه را فراموش نمی‌کند و به سکوت و خاموشی حکومت در مقابل استبدادهای سران که باعث شده آنان در امور اجتماعی جامعه دخالت کنند و باعث گرسنگی و برهنگی مردم شدند چنین فریاد اعتراض سر می‌دهد:

ای رنجبر بدن برهنه  
ای کارگر شکم گرسنه  
تو با همه ارزشی که داری  
دانی که چرا همیشه خواری  
زحمت ز تو، نعمت از تو نبود  
زیرا که حکومت از تو نبود

(لاهوٹی، بی‌تا/ دیوان: ۳)

هر دو شاعر با زبانی سلیس و روان رنج‌های مردمان را برای مخاطب بازگو می‌کنند و بدین طریق خواسته‌اند هموطنانش را آگاه سازند تا حق و حقوق پایمال شده خود را از بیگانگان و سران حکومت بگیرند.

### فقدان آزادی

از دیگر موضوعات اجتماعی دوران نهضت و مشروطه، نبود آزادی است که بیشتر شاعران در اشعارشان این مسئله را بازتاب داده‌اند و حق هر ملتی می‌دانند که از حقوق خود بهره‌مند شده و آزادی عمل و بیان داشته باشند. باید به این نکته اشاره کرد که از مهمترین اهداف پوپولیستی، حقوق برابر در جامعه است. در شعر هر دو شاعر موضوع آزادی از بسامد بالایی برخوردار است چنانکه ابراهیم آزادی را از بعد آزادی بیان و عمل و آزادی زنان بیان کرده و لاهوتی خواستار آزادی وطن از چنگال استعمارگران، حاکمان ستمگر و همچنین آزادی زنان است. در این مورد حافظ ابراهیم می‌گوید:

حَوْوُلُوا النِّیلَ وَاحْجُبُوا الصُّوءَ عَنَّا  
وَاطْمِسُوا النَّجْمَ وَاحْرِمُونَا النَّسِیمَا  
فَشْهَدْنَا ظُلْمًا يُقَالُ لَهُ الْعَدَا  
لُ وَوَدَّآ یَسْقَى الْحَمِیمَ الْحَمِیمَا

(ابراهیم، ۱۹۸۷: ۴۲۲)

«نیل را بچرخانید و روشنایی را از ما بپوشانید و ستارگان را خاموش کنید و نسیم را از ما محروم کنید / و ما شاهد ظلمی بودیم که به آن عدل گفته می‌شود و محبتی که آتش را سیراب می‌کند».

شاعر در این بخش از اشعارش به حق و حقوق مصر اشاره می‌کند؛ حقی که توسط بیگانگان ربوده شده و آزادی که از ملت سلب شده است؛ او مردم را به تکاپو وامی‌دارد و از آنها می‌خواهد که در مقابل غارتگران ایستادگی کرده و اجازه ندهند به خاک وطن‌شان تجاوز کنند.

از دغدغه‌های اصلی و مهم لاهوتی هم آزادی سیاسی، عدالت اجتماعی و سرافرازی وطن بود؛ او در جدال با حکومتی که همه‌ی این آرمان‌های بزرگ انسانی را در زیر چکمه‌های استبداد بر خاک می‌مالید، از هیچ کوششی فروگذار نکرد. شاعر برای درهم شکستن قدرت استبداد، هم سلاح نبرد به دست گرفت و در پی تهاجم و کودتای نظامی بر آمد و هم با سخن و اندیشه، تنها بر یک مدار می‌چرخید، و آن بهروزی اجتماع و ترقی زندگی مردم بود (درگاهی، ۱۳۷۹: ۳۹).

|                                    |                                     |
|------------------------------------|-------------------------------------|
| شامل احوال زنهای نقابی می‌شود      | نعمت آزادی و دانش، فقط با انقلاب    |
| بین شیخ و شیعی و سنی و بابی می‌شود | حضرت سرمایه‌گر خواهد جدل یا آشتی؟!  |
| کارگر نایل بفتح و کامیابی می‌شود   | هر زمان آزاد گردد از امید شیخ و شاه |

(لاهوته، بی‌تا/ دیوان: ۴۰)

لاهوته وضعیت خفقان ایران در دوره مشروطه را توصیف می‌کند؛ در تصاویری که شاعر عرضه می‌کند زنان از آزادی حجاب و حق تحصیل محروم گشتند و مردم با فقر، دست و پنجه نرم می‌کنند. وی تلاش کرده مردم را به فراگیری و آموختن علم دعوت کند تا با بصیرت و آگاهی، گامی به سوی آبادانی کشور بردارند تا جامعه از سلطه‌ی حاکمان مستبد رها شود و دوباره آزادی به سوی وطن باز گردد.

کسانی که شعر حافظ ابراهیم را در مجالس خاص و عام می‌شنیدند دو تصویر آشکار از اشعارش دریافت می‌کردند: نخست تصویر مردم دردمند و آرزومند و دیگری تصویری از ناامیدی و امید (شمیس، بی‌تا: ۳۷). همانطوری که این تصاویر در ابیات زیر به وضوح هویدا است:

|                                             |                                           |
|---------------------------------------------|-------------------------------------------|
| لقد كان فينا الظلم فَوْضَى فُهْدَبَتْ       | خواشیه حتی بات ظلماً مُنْظَمًا            |
| تَمُنُّ علينا اليومَ أَنْ أَخْصَبَ الثَّرَى | وَأَنْ أَصْبَحَ الْمِصْرُ خُرًا مُنْعَمًا |

(ابراهیم، ۱۹۸۷: ۳۳۹)

«ستم در میان ما پراکنده و در هم ریخته بود، تا وقتی که گوشه و کناره‌های آن پیراسته شد و تبدیل به ستمی منظم و ساختارمند گشت. نعمت روزی بر ما عطا می‌شود که خاک بارور شود و مردم مصر در آزادی دلنشین قرار بگیرند».

با وجود مشکلات فراوان مردم مصر، حضور بیگانگان در کشور بر رنج آنان افزود به طوری که آزادی عمل و بیان را از آنها سلب کرد و در ازای آن استبداد و خفقان بر ایشان هدیه داد. ولی با وجود این، شاعر به آزادی کشورش امیدوار است. لاهوته هم در مورد آزادی، خطاب به ملت ایران می‌گوید:

|                                      |                                      |
|--------------------------------------|--------------------------------------|
| وطن خواهان، وطن ویرانه گردید!        | وطن منزلگه بیگانه گردید              |
| به خاک ما تجاوزهای اغیار             | بر اهل جهان افسانه گردید             |
| ایا ایرانیان، تا کی دچار غفلتید آخر؟ | ایا ایرانیان، تا چند اسیر ذلتید آخر؟ |

(لاهوته، ۱۹۵۴/ سرودهای آزادی و صلح: ۲۲)

با وجود بیگانگان، آزادی و آرامش از کشور ایران رخت بست و تجاوزهای اشغالگران به کشورمان در جهان به افسانه‌ای تبدیل گشت و باعث شد که وطن شاعر ویرانه و محلی برای غارتگران باشند. از دیگر مسائلی که شاعران در اشعارشان به آن پرداخته‌اند نبود آزادی برای زنان مصر و ایران آن زمان است. حافظ ابراهیم مردان مصر را خطاب قرار داده و می‌گوید:

کَلَّا وَلَا أَدْعُوکُمْ أَنْ تُسْرِفُوا  
لَیْسَتْ نِساؤُکُمْ حُلًی وَجَوَاهِرًا  
فَی الْحَبِّ وَالنَّضِیْقِ وَالْإِرْهَاقِ  
لَیْسَتْ نِساؤُکُمْ أَثَاثًا یُقْتَنَى  
خَوْفَ الصَّیَاعِ تُصَانُ فِی الْأَحْقَاقِ  
فِی الدَّوْرِ بَیْنَ مَخَادِعِ وَطِبَاقِ

(ابراهیم، ۱۹۸۷: ۲۸۲)

«هرگز شما را فرا نمی‌خوانم که در مسئله‌ی حجاب و در تنگ‌انداختن به زنان زیاده روی کنید. زنان شما طلا و جواهر نیستند که به خاطر ترس از بین رفتنشان آنها را در صندوق نگه دارید. زنان شما مانند اثاث نیستند که در خانه‌ها داخل اتاق‌ها در روی طاقچه قرار بگیرند».

ابراهیم شاعری نبود که حجاب را رد کند ولی تاکید می‌کند به خاطر مسئله‌ی حجاب نباید زنان در خانه محبوس شوند چون زنان هم مانند مردان حق دارند از تعلیم و تربیت بهره‌مند شوند تا برای آینده نسلی بهتر تربیت کنند. لاهوتی نیز همانند ابراهیم در اشعارش آزادی زنان را مطرح می‌کند:

آزاد شد جهان و تو در پرده‌یی هنوز  
مردم ز خوان علم و هنر سیر و پر شدند  
بگذشت صد بهار و تو پزده‌یی هنوز  
دارالفنون تمام نمودند دیگران  
یک لقمه زین خوراک تو ناخورده‌یی هنوز  
زنهای غرب در سرکار حکومتند  
ابی.ت را شروع تو ناکرده‌یی هنوز  
درست مردم شرق تو چون برده‌یی هنوز

(لاهوتی، بی‌تا/دیوان: ۱۶)

شاعر به پیشرفت زنان غرب و آزادیشان اشاره می‌کند؛ در نظر او زنان شرق همچون برده‌ای در جامعه زندگی می‌کنند و از حقوقی برخوردار نیستند. لاهوتی زنان شرق را همچون زنان غرب به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی تشویق می‌کند. موضوع آزادی زنان از مسائل مهم دوران مشروطیت است که در غالب اشعار شاعران آن دوره مشاهده می‌شود.

### فراخوانی مردم

در تعریف پوپولیسیم کورن هوزر معتقد (Korn Hauser) بود: «پوپولیسیم هم علت و هم معمول جامعه‌ی توده‌ای و بیانگر مخالفت با چندگانگی و تایید یکپارچگی در مقابل تمایزات اجتماعی است؛ به نظر او دموکراسی پوپولیستی با مشارکت مستقیم مردم، نهاد و قانون نظام‌های سیاسی مبتنی بر نمایندگی را تضعیف و آزادی افراد را کاهش می‌دهد زیرا در این نوع دموکراسی مردم، که یکپارچه فرض می‌شوند، دست بالا را دارند» (تاگارت، ۱۳۸۱: ۲۴-۲۵). ابراهیم با دعوت اقشار مختلف مردم به اتحاد و همدلی از آنان می‌خواهد که در مقابل ظلم و ستم ایستادگی کرده و آینده‌ی درخشان را بر خود رقم

زنند. شاعر، نویسندگان و شاعران را به یکپارچگی فرا می‌خواند تا در حفظ هویت ملی خویش کوشا باشند:

|                                             |                                                    |
|---------------------------------------------|----------------------------------------------------|
| دُعَامَةً رُكْنَ الْمَشْرِقِ الْمُتَزَعِّعِ | فِيَا ضَيْعَةَ الْأَقْلَامِ إِنْ لَمْ نَقُمْ بِهَا |
| وَرَبَّ الْحُمَى يَمْشِي بِأَنْفٍ مَجْدَعِ  | أَتَمْشِي بِهِ شُمَّ الْأَنْوَفِ عُدَائُهُ         |
| كَوَاكِبُهُ فِي أَفْقِهِ غَيْرُ طُلُوعِ     | غَرِيزٍ عَلَيْهِ يَا بَنَى الشَّرْقِ أَنْ تُرَى    |

(ابراهیم، ۱۹۸۷: ۱۳۰)

«حیف از قلم‌ها اگر به واسطه آن، ستون تکان خورده‌ی مشرق را برپا نکنیم. آیا درست است که دشمنان مشرق با سربلندی و افتخار در کنارش (وطن) راه بروند در حالی که صاحب‌خانه با حالت شرمساری قدم بردارد. ای مردم مشرق زمین دشوار است که ستارگان وطن در آسمان طلوع نکنند». شاعر از نویسندگان می‌خواهد با آثارشان پایه‌های شرق را استوار کنند و اجازه ندهند استعمارگران فکر و اندیشه خود را در مصر برپا کنند. و در بیت آخر هم (بنی‌المشرق) جهان عامه‌ی مردم مشرق زمین است؛ شاعر تمام ملت مشرق را مورد خطاب قرار می‌دهد و اظهار می‌دارد که برای کشور متمدن مصر سخت و دشوار است که ستارگانش (تلاشگران) در آسمان جهان ظهور نکنند. لاهوتی نیز طبقه‌ی کارگر را به اتحاد دعوت می‌کند و از آنان می‌خواهد حقوق پایمال شده خود توسط حاکمان خودکامه را باز گیرند:

|                         |                          |
|-------------------------|--------------------------|
| ای داس دهاتیان هنر کن   | گردن بزن این بد اخترانرا |
| ای پتک نژاد کاهو، بردار | تاج سر این سبک سرانرا    |
| دست رفقا بگیر و برخیز   | امداد بکن برادرانرا      |

(لاهوئی، بی‌تا/ دیوان: ۸۲)

وی با حالتی خشم و نفرت از کارگران می‌خواهد در مقابل ظلم و ستم مسئولان ایستادگی کنند؛ او سردمداران حکومت را به بد اخترانی تشبیه کرده که باید از حکومت و کشورداری برانداخته شوند. شاعر در آخر ابیات از هموطنانش می‌خواهد دست یکدیگر را گرفته و انقلابی علیه حاکم موجود در جامعه برپا کنند و اجازه ندهند ظلم و ستم بر حق پیروز شود.

## سیاست

استعمار و بی‌تدبیری حاکمان، از مهم‌ترین مفاهیم سیاسی در شعر دوران نهضت و مشروطه بود. همانطور که پیش‌تر اشاره شد از اهداف اصلی پوپولیست‌ها انتقاد از اوضاع سیاسی جامعه می‌باشد. هدف پوپولیسم ایجاد سیاست‌های شفاف و صریح است. امور سیاسی باید تجسم خرد مردمان ساده و

بنابراین خود باید صریح و ساده باشد (تاگارت، ۱۳۸۱: ۱۷۳). و چنانکه لاکلائو (Lacclau) معتقد است: «پوپولیسم نه نوع ویژه‌ای از جنبش سیاسی بلکه ناب‌ترین شکل امر سیاسی است» (لاکلائو، ۱۳۸۸: ۶۴). شاعران بسیاری نسبت به مسائلی همچون دخالت بیگانگان، خفقان استبدادی و نارضایتی از حاکمان واکنش نشان داده‌اند. در میان این شاعران، شاعرانی همچون حافظ ابراهیم و ابوالقاسم لاهوتی بودند که بخش اعظم اشعار خویش را در خدمت خلق، سیاست و اجتماع قرار داده‌اند به گونه‌ای که ابراهیم را شاعر النیل لقب دادند. او در اعتراض به بیگانگان در مصر چنین می‌گوید:

إذا أَخْصَبَتْ أَرْضٌ وَأَجْدَبَ أَهْلُهَا      فلا أَطْلَعَتْ نَبْتاً وَلَا جَادَهَا السَّمَاءُ

(ابراهیم، ۱۹۸۷: ۳۴۰)

«زمانی که زمین سبز و خرم گشت و اهلیش دچار خشکسالی شد پس (الهی) گیاهی نروید و آسمانی روشن نگردد».

لاهورتی هم در خطاب به حاکمان مفاهیمی شبیه آنچه در شعر حافظ مشاهده کردیم را زمزمه می‌کند:

چو بینم صورت خوبان هفتاد و دو ملت را      بیاد آرم که یار من نشد آزاد و مینالم  
خیانت‌های شاه و جهل ملت را چو می‌بینم      یقین دارم رود این مملکت برباد مینالم  
رعیت را فروشد با زمین ملاک و می‌بینم      که ملت عاجز است از رفع این بیداد و مینالم

(لاهورتی، بی‌تا/ دیوان: ۲۲)

شاعر از حامیان سر سخت مردم رنجیده و مخالف با حاکمیت سرمایه‌داری است. او به صورت شفاف و صریح خیانت‌های شاهان را بر ملا می‌کند و از ناآگاهی مردمش زجر می‌کشد؛ چرا که این عوامل باعث نابودی ایران و ایرانی خواهد شد. شاعر با افسوس از ناتوانی ملت در برابر حکومت که ظلم و ستم را روا داشته، سخن می‌گوید به طوری که مردم توانایی خیزش برای بهبود وضعیت خود ندارند. عظمت لاهوتی در این است که برای نخستین مرتبه در سرزمینی که استثمار مفتخوری حکفرماست برای آزادی صنف ستمکش یعنی کارگر و برزگر جنگ را آغاز و از طبع گهربار و اشعار آبدار خود برای این مبارزه استفاده کرده است (لاهورتی، بی‌تا: مقدمه دیوان).

در خصوص اعتراض به استعمار بیگانگان به خاک وطن، در قصاید هر دو شاعر مفاهیم مشترکی مشاهده می‌شود؛ ابراهیم مردم استعمار شده را به کبوترانی تشبیه کرده که طوق استعمار بر گردنشان است و برای انگلیسی‌ها با کبوتران یکسان‌اند (نعمتی قزوینی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۲).

إِنَّمَا نَحْنُ وَالْحَمَامُ سَوَاءٌ

لَمْ تُغَادِرْ أَطْوَأُنَا الْأَجْيَادَا

(ابراهیم، ۱۹۸۷: ۳۳۴)

«همانا ما و کبوتران برابر هستیم و طوق‌هایمان گردنمان را رها نمی‌کند».  
 لاهوتی نیز چپاولگران اروپایی را به گرگ‌هایی تشبیه کرده که باید به مقابله با آنها برخاست و گرنه با اعمالشان مردم را از بین می‌برند:

بر ضدّ ستم عهد بیندید

ای ترک و عرب با عجم شرق

ورنه بدرد گرگ اروپا

با پنجه و دندان شکم شرق

(لاهوری، بی‌تا/ دیوان: ۸۸)

هر دو شاعر در اشعارشان جنایت‌های انگیزی‌ها را به زیبایی به تصویر می‌کشند؛ با این تفاوت که ابراهیم در شفاف‌سازی خیانت‌هایشان جانب احتیاط را در پیش می‌گیرد (ضیف، بی‌تا: ۱۰۸). ولی لاهوتی بی‌پرده به توصیف رفتار استعمارگران می‌پردازد و با حالتی از خشم و انزجار سعی در بیرون راندن انگیزی‌ها را دارد.

حافظ ابراهیم حضور بیگانگان در جامعه را باعث از بین برنده عظمت و شکوه مصر می‌داند:

لَحَى اللَّهُ عَهْدَ الْقَاسِطِينَ الذِي بِهِ

تَهْتَدُمُ مِنْ بُنْيَانِنَا مَا تَهْتَدُمَا

إِذَا شِئْتَ أَنْ تَلْقَى السَّعَادَةَ بَيْنَهُمْ

فَلَا تَكُ مِصْرِيًّا وَلَا تَكُ مُسْلِمًا

(ابراهیم، ۱۹۸۷: ۴۲۸)

«خدا لعنت کند دوران اشغالگران ستمگر را، دورانی که بنیان ما را به کلی فرو ریخت و نابود کرد. اگر تو می‌خواهی در میان اشغالگران به سعادت دست یابی می‌بایست که مصری و مسلمان نباشی».  
 شاعر کارهایی که انگلیسی‌ها در کشور مصر مرتکب شدند، را در اشعارش برای مخاطب ترسیم می‌کند که بنیان و عظمت مصر را نابود کردند. او خطاب به مردم می‌گوید: اگر می‌خواهید همانند ستمگران به خوشبختی و سعادت دست پیدا کنید باید مسلمان و مصری نباشید چون مردم مصر چنین جنایت‌هایی را انجام نمی‌دهند. شاعر با این اظهارات، ارزش مسلمانان و مردم مصر را به رخ بیگانگان کشیده است.

لاهوری هم در وصف ظلم‌های اشغالگران می‌گوید:

آمده تا سنت ما را همه ملغی کند

رسم ایران را مطیع رسم آمریکا کند

دفع ظلم انگلستان کار پر فخری بود

لیکن آمریکا نباید جانشین او شود

این یکی را دور کن، بر آن یکی بر بند راه، تا چو بیرون آئی از چاله، نیفتی قعر چاه

(لاهوئی، ۱۹۵۴ / سرودهای آزادی و صلح: ۶۲)

او مردم را آگاه می‌کند و از آنان می‌خواهد که اجازه ندهند آمریکا هویت ملی و سنت دیرینه‌شان را از بین ببرد و سنت خودشان را در ایران برپا کنند. وی در بیت آخر با آوردن ضرب المثلی به اشعارش ظرافت هنری می‌بخشد و تاکید می‌کند از مشکلاتی که هنوز رهایی نیافتید نباید مشکلات بزرگتر و سخت‌تر دچار شوید.

ابراهیم، مصر را برای بیگانگان به اسفنجی تشبیه کرده که آب آن را مکیدند و برای مصر فقر و نداری به جای گذاشتند. این بار از راه دین متوسل می‌شود و یادآوری می‌کند که همه‌ی مردم در ایمان به خداوند برادر و برابر هستند:

وَالْقَوْمُ فِي (مِصْرَ) كَالِاسْفَنْجِ قَدْ ظَلَمَتْ  
يَا (آلَ عَثْمَانَ) مَا هَذَا الْجَفَاءَ لَنَا  
بِالْمَاءِ لَمْ يَتْرُكُوا ضَرْعاً لِمُحْتَلِبٍ  
وَنَحْنُ فِي اللَّهِ إِخْوَانٌ وَفِي الْكَتِبِ

(ابراهیم، ۱۹۸۷: ۴۳۲)

«این قوم (استعمارگران) در مصر مانند اسفنج هستند که ثروت ملت را همچون آب مکیدند و آن را ترک نکردند. ای آل عثمان این چه جفایی است که بر ما می‌کنید در حالی که ما برادر همدیگر هستیم در کتاب آسمانی و عبادت خداوند».

لاهوئی هم از استعمارگر دیگری به نام آمریکا سخن می‌آورد و می‌گوید:

آتشی افروخت آمریکا چو اژدر در کره  
تشنگی سیم و زر، حرص جهانگیری ببین  
خواست مردم را بسوزاند سراسر در کره  
کز هزاران میل ره آورد لشکر در کره  
در کره کاری به آمریکا ندار هیچ کس  
پس چه کاری دارد این گرگ ستمگر در کره

(لاهوئی، ۱۹۵۴ / سرودهای آزادی و صلح: ۱۸۶)

شاعر آمریکا را به اژدر و گرگی تشبیه کرده که قصد دخالت در کشورهای دیگر را دارد. او با حالتی از طعنه و کنایه، آمریکا را کشوری مال اندوز به جهان معرفی می‌کند که هدفش غارت و چپاول دیگر کشورها است. وی در آخر نفرت و بیزاری خود را از این کشور ابراز می‌دارد که دنیا به چنین کشوری نیاز ندارد و اگر روزی از صحنه‌ی روزگار حذف شود جهان در آسایش و صلح خواهد بود.

## مخالفت با نابرابری‌های اجتماعی

اندیشه‌های اعتبار اجتماعی به طور کلی مخالف سیاست بود و آشکارا نظام‌های سیاسی مبتنی بر نمایندگی را رد می‌کرد؛ از این رو گرایش به راه حل‌های فنی برای مسائلی نظیر عدالت اجتماعی و اقتصادی حاکی از یک نظریه سیاسی است که پیش فرض‌هایش متکی بر همبستگی اساسی منافع مردم و ناکامی سیاست‌های حاکم در انعکاس این همبستگی است (تاگارت، ۱۳۸۱: ۱۱۲). ابراهیم و لاهوتی در اشعارشان نابرابری اجتماعی و اقتصادی را به تصویر کشیده‌اند و هر دو خواستار برابری در جامعه هستند. هر دو شاعر چون در بطن جامعه و با مردم زندگی کرده‌اند بهتر توانسته‌اند نابرابری‌ها را بیان کنند؛ ایشان سعی در ایجاد برابری و حذف تضاد طبقاتی در جامعه هستند:

|                                               |                                            |
|-----------------------------------------------|--------------------------------------------|
| قَدْ شَهَدْنَا بِالْأَمْسِ فِي مِصْرَ عُرْساً | مَلَأَ الْعَيْنَ وَالْقَوَادِ أَبْتَهَاراً |
| سَالَ فِيهِ النُّضَارُ حَتَّى حَسَبْنَا       | أَنَّ ذَاكَ الْفَنَاءَ يَجْرِي نُضَاراً    |
| جَلَّ مَنْ قَسَمَ الْخُطُوطَ فِهَذَا          | يَتَغَنَّي وَذَاكَ يَبْكِي الدِّيَارِ      |

(ابراهیم، ۱۹۸۷: ۲۵۱)

«دیروز در مصر عروسی شاهد عروسی بودیم که چشم‌ها و دل را پر از تعجب کرد. طلا در آن بود تا اینکه گمان کردیم در آنجا رودی از طلا جاری است. چه بزرگ است کسی که سهم‌ها را تقسیم کرد؛ یکی آواز و سرود می‌خواند و آن دیگری در دیارش گریه می‌کند».

تضاد طبقاتی در این اشعار ابراهیم به وضوح نمایان است؛ او وضعیت میان اغنیا و فقرا بیان کرده و اعلام می‌کند در عروسی ثروتمندان گویا طلا و جواهر جاری شده و چشم‌ها را به خود خیره کرده است حال آنکه زندگی گروه دیگر از مردم در سختی سپری می‌شود که روز و شب را با ناله و زاری به پایان می‌برند.

لاهوری نیز هیچ زمانی درد و رنج مردم سرزمینش را به فراموشی نسپرده و همواره از مشکلات عامه‌ی مردم در دیوانش سخن گفته و به یکی از آفات اجتماعی که شامل تضاد طبقاتی است، واکنش نشان می‌دهد و مردم رنجیده را هشدار می‌دهد و خطاب به آنان می‌گوید شما مشغول کار کردن هستید و بهره‌ای از زندگی نبرده‌اید در حالی که ثروتمندان در آسایش و رفاه زندگی می‌کنند:

|                         |                         |
|-------------------------|-------------------------|
| مشغول در روز صبح تا شام | بیدار ز جوع شام تا بام  |
| اعیان همگی میان سرداب   | در آسایش بجامه خواب     |
| اشراف بفکر خود پرستنی   | مشغول قمار و عیش و مستی |

(لاهوری، بی‌تا/ دیوان: ۲)

### تأثیرپذیری و هم‌رنگی با محیط

همان طوری که پیش‌تر اشاره شد اهداف اصلی پوپولیست‌ها تأکید بر طرفداری از مردم است (تاگارت، ۱۳۸۱: ۱۴۱). از این رو شاعران برای برانگیختن احساسات و عواطف مخاطب و همراه ساختن آنان با اندیشه‌های خود از محیط و پیرامونشان الهام می‌گیرند و از آنجایی که در دوره نهضت و مشروطیت به دلیل آشنایی با غرب تغییراتی در شعر بوجود آمد این عوامل تأثیر شگرفی بر شاعران آن دوره داشت بطوریکه این تغییرات در اشعارشان انعکاس یافته و به وضوح دیده می‌شود. حافظ ابراهیم شاعری بود که به وظیفه‌ی اجتماعی و وطنی شاعر اعتقاد داشت و در همه‌ی کارها و امور اجتماعی مشارکت می‌کرد (الجیوسی، ۲۰۰۱: ۸۲). از این رو وی در اشعارش از محیطی که در آن زندگی می‌کرد الهام گرفت چرا که پوپولیسم‌ها مردم را بر حسب اینکه کجا هستند به تصور می‌آورند (تاگارت، ۱۳۸۱: ۱۴۷). ابراهیم پیشرفت غرب را به چشم دید و برای نجات مصر از عقب ماندگی و جهل، مردم را به علم‌آموزی و ادب تشویق می‌کرد چنانکه در قصیده «العلم و الأخلاق» می‌گوید:

وَالْمَالُ إِن لَّمْ تَدَّخِرْهُ مُحْصَنًا      بِالْعِلْمِ كَانَ نَهَايَةَ الْإِمْلَاقِ  
وَالْعِلْمُ إِن لَّمْ تَكْتَنِفْهُ (شَمَائِلُ)      تُعْلِيهِ كَانَ مَطِيئَةَ الْإِخْفَاقِ

(ابراهیم، ۱۹۸۷: ۲۸۰)

«مال را اگر با علم مصون نکنیم نهایت فقر و بیچارگی است. علم اگر اخلاق پسندیده آن را در برنگیرد و اعتلا ندهد مرکب شکست است».

لاهوته با زبانی ساده به بیدار ساختن مردم می‌پردازد. او همانند ابراهیم ملت ایران را به فراگیری علم و ادب ترغیب می‌کند:

درس خوان ای رنجبر زاده که آبادت کند      نوده بی علم محکوم خرابی می‌شود

(لاهوته، بی‌تا/ دیوان: ۴۰)

بیشتر اشعار لاهوته خطاب به قشر ضعیف و کم درآمد جامعه است که بوسیله‌ی علم و دانش می‌توانند وضعیت خود را بهبود ببخشند و نسل‌هایی که بعد از آنان به این عرصه پا می‌گذارند در علم و ادب رشد یابند، در نظر شاعر اما فرزندان بی‌بهره از علم و ادب محروم از زندگی و جامعه خواهند بود. هر دو شاعر در اشعارشان به کودکان جامعه هم توجه داشتند و از مسئولان جامعه می‌خواهند که در تعلیم و تربیت آنها که آینده‌سازان مملکت هستند، کوشا باشند. حافظ ابراهیم می‌گوید:

فَتَّحُوا الْمَدَارِسَ حِسْبَةً      وَتَنْظُرُوا حُسْنَ الْمَأَبِ  
فِيهَا تَبَيَّنَتْ الْهُدَى      وَقَرَأْتُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ

## وَبِهَا صَدَفْتُ عَنِ الضَّلَا لَهْ وَاهْتَدَيْتُ إِلَى الصُّوَابِ

(ابراهیم، ۱۹۸۷: ۳۰۴)

«بخاطر پاداش، مدراس را گشودند و به عاقبت نیکوی آن نگاه کردند. در آن هدایت را پذیرفتم و سوره‌ی از قرآن را خواندم. و بوسیله آن از گمراهی دور شدم و به سوی رستگاری هدایت و رهنمون شدم».

شاعر به ارزش و منزلت علم اشاره می‌کند و معتقد است علم‌آموزی گامی به سوی پیشرفت است و عاقبت نیکویی برای کشور در بردارد و نسل‌های آینده را از گمراهی و جهالت نجات داده و به سوی هدایت و رستگاری رهنمون می‌کند. لاهوتی هم، به کارکردن کودکان فقیر و کم درآمد جامعه اشاره می‌کند:

|                                |                               |
|--------------------------------|-------------------------------|
| سیری و خنده و بازی دلپسند      | بهر ما کودکان حرف بی‌معنی‌اند |
| هر که خواهد به وی کامرانی رسد، | کودک او به سن جوانی رسد       |
| بر وی از میهنش مهربانی رسد     | گو به امداد این ناتوانی رسد!  |
| تا نگردیده این نسل نورس تلف    | دست یاری دهد هر که دارد شرف!  |

(لاهوری، ۱۹۵۴ / سرودهای آزادی و صلح: ۳۳)

پیروزی این نسل در آن است که جامعه و مسئولان به فکر این کودکان باشند و بستری برای موفقیت آنان فراهم کنند. شاعر با لحنی تندآمیز می‌گوید تا زمانی که این نسل از بین نرفته کمکی کنند.

### کانون آرمانی

آرمانشهر یا یوتوپیا واژه‌ای است یونانی که تلمس مور آن را ساخته است، از ریشه (ou\_ topos) به معنای هیچستان است، کنایه‌ای طنزآمیز به معنای خوبستان می‌باشد (مور، ۱۳۸۷: ۱۶). کانون آرمانی، سرزمین تخیلی است که جنبه‌های مثبت زندگی روزمره را جلوه‌گر می‌سازد و به طور ساده‌تر، کانون آرمانی نمادی است که به بهانه‌ی حذف، پلیدی‌ها را فراهم می‌آورد (تاگارت، ۱۳۸۱: ۱۴۷-۱۴۸). شاعران در اشعارشان جامعه آرمانی را به دور از مشکلات و فقر... تصور می‌کنند؛ جامعه‌ای که همواره در صلح و آرامش به سر برد و خبری از جنگ و استعمار نباشد. کانون آرمانی بر اندیشه‌ی اندام‌وار استوار است که دارای نوعی همبستگی طبیعی است و بنابراین محدودتر از اجتماعاتی است که در چارچوب مرزهای ملی قرار می‌گیرند (همان: ۱۴۹). ابراهیم و لاهوتی از شاعران معاصر هستند که در اشعارشان کانون آرمانی را برای مخاطب ترسیم کرده‌اند. جامعه آرمانی در دیوان ابراهیم با مضامینی همچون عشق، آزادی، ریشه‌کردن فقر، صلح و دوستی می‌باشد که از نمادهای بارز مدینه‌ی فاضله

است. شاعر در این مورد می‌گوید امید و پیروزی به همه‌ی نگرانی‌ها پایان خواهد داد و صلح و آرامش به کشور مصر باز خواهد گشت.

یا مِصْرُ هَلْ بَعْدَ هَذَا الْيَأْسِ مُنْسَجَّعٌ      يَجْرِي الرَّجَاءُ بِهِ فِي كُلِّ مُضْطَرَبٍ

(ابراهیم، ۱۹۸۷: ۲۶۷)

«ای مصر بعد این ناامیدی گشایشی می‌آید و امید در همه‌ی نگرانی‌ها جاری خواهد شد». لاهوتی با اشاره به اینکه اگر دست حاکمان ظالم و ستمگر از ایران برچیده شود آرمانشهری کشور را فرا خواهد گرفت:

روزی که شود ز خاک ایران / یکمرتبه دست ظلم کوتاه، / بر پا گردد جهانی از نو، / دانش فکند بخلق پرتو، / نادانها را نماید آگاه. (لاهوئی، ۱۹۵۴ / سرودهای آزادی و صلح: ۱۴۷).

آرمانشهر ابراهیم زمانی محقق می‌شود که انگلیسی‌ها مصر را ترک کرده و اعمال فشار بر این کشور نداشته باشند و جامعه‌ی آرمانی لاهوتی با سقوط زمامداران وقت حاصل می‌شود که علم و ادب در جامعه اشاعه پیدا کرده و مردم از غفلت بیدار شوند.

گاهی اوقات شاعران برای جستجوی آرمانشهر گذری بر گذشته‌ی خود می‌زنند و به یادآوری خاطرات شیرین در گذشته می‌پردازند و دوباره آرزوی بازگشت آن را دارند. ابراهیم با برگشتن به گذشته، بر آن روزهایی که وطنش آزاد بود، حسرت می‌خورد:

مَتَى أَرَى (النَّيْلَ) لَا تَحْلُو مَوَارِدُهُ      لَغَيْرِ مُرْتَهَبٍ إِلَيْهِ مُرْتَقِبٍ  
فَقَدْ عَدَّتْ (مِصْرُ) فِي حَالٍ إِذَا ذُكِرَتْ      جَادَتْ جُفُونِي لَهَا بِاللُّؤْلُؤِ الرُّطَبِ

(ابراهیم، ۱۹۸۷: ۴۳۲)

«چه وقت آب نیل را می‌بینم که گوارا نباشد برای غیر خداپرستان و غیر کسانی که خدا را در کارشان در نظر نمی‌گیرند. امروز مصر در حالتی قرار گرفته که چون نامش برده شود چشمان من برای آن مروارید تازه می‌بخشد».

لاهوئی در این خصوص متفاوت از ابراهیم می‌باشد چرا که او جامعه‌ی آرمانی را در آینده ایران تصور می‌کند:

کنون گر عاجزند و بنده خوار، / ولی می‌آید آن دم شاد / که یابد خلق پیروزی به پیکار / هم از بیداد اعیان گردد آزاد / در این من اعتقادی سخت دارم / هم از چنگ جهانگیران جلاد (لاهوئی، ۱۹۵۴ / سرودهای آزادی و صلح: ۲۹).

شاعر به آینده درخشان ایران امیدوار است که ملت با اتحاد، پیروز خواهند شد و دست بیگانگان و حاکمان ظالم را از این سرزمین کوتاه خواهند کرد و دوباره آرامش را به کشور باز می‌گردانند. تاکید پوپولیسم بر این است که مردم تلویحاً بر این ایده دلالت می‌کند که مردم توده‌ای یک دست است. مردم به واسطه‌ی جمعی بودن خرد را بوجود می‌آورند. وحدت و همگونی ساکنان خیالی کانون آرمانی نشان می‌دهند که چرا در شعارهای پوپولیستی به شدت بر همگونی مردم تاکید می‌شود (تاگارت، ۱۳۸۱: ۱۴۸).

### نتیجه‌گیری

با بررسی تطبیقی اندیشه‌های پوپولیستی در اشعار حافظ ابراهیم و ابوالقاسم لاهوتی چنین بر می‌آید که هر دو شاعر در زمانی می‌زیستند که کشورشان در چنگال استعمار، استبداد اسیر بود و پیامدهایی همچون فقر، تضاد طبقاتی، نبود آزادی را به وجود آورد. هر دو شاعر بیشتر اشعارشان را به مردم و مشکلات آنان اختصاص داده‌اند که از اهداف اصلی پوپولیست‌ها می‌باشد. اهداف هر دو شاعر، رسیدن به برابری اقتصادی - اجتماعی و همچنین ایجاد جامعه آرمانی است که این از جنبه‌های مثبت پوپولیسم می‌باشد که کانون آرمانی با اتحاد و یکپارچگی بوجود می‌آید. ابراهیم و لاهوتی توانسته‌اند با آگاه ساختن مردمشان و دعوت به همدلی گامی به سوی آینده درخشان بردارند.

### منابع

- ابراهیم، حافظ. ۱۹۸۷م، دیوان، شرح احمد امین، أحمد الزین، ابراهیم الإیاری، الطبعة الثالثة، مصر، الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- تاگارت، پل. ۱۳۸۱ش، پوپولیسم، ترجمة حسن مرتضوی، چاپ اول، انتشارات آشیان.
- الجیوسی، سلمی الخضراء. ۲۰۰۱م، الاتجاهات و الحركات فی الشعر العربی الحديث، ترجمة عبدالواحد لؤلؤه، بیروت: مرکز دراسات الوحدة المریبة.
- رحیق اغصان، علی. ۱۳۸۴ش، دانش‌نامه در علم سیاست، تهران: انتشارات فرهنگ صبا.
- شمیس، عبدالمنعم. بی‌تا، شاعر النيل حافظ ابراهیم، القاهرة: دارالمعارف.
- ضیف، شوقی. بی‌تا، الأدب العربی المعاصر فی مصر؛ الطبعة العاشرة، دارالمعارف.
- الفاخوری، حنا. بی‌تا، الجامع فی تاریخ الأدب العربی (الأدب الحديث)، بیروت: دارالجليل.
- لاکلاو، ارنستو. ۱۳۸۸ش، در ستایش پوپولیسم، ترجمة محمد ایزدی و عباس ارض پیمما، تهران: انتشارات رخ دادنو.
- لاهوته، ابوالقاسم. بی‌تا، شرح زندگانی من بقلم لاهوتی.

لاهووتی، ابوالقاسم. بی‌تا، دیوان، انتشارات نوشین.

لاهووتی، ابوالقاسم. ۱۹۵۴م، **سرودهای آزادی و صلح**، اداره نشریات به زبانهای خارجی مسکو.

مور، تامس. ۱۳۸۷ش، **آرمانشهر (یوتوپیا)**، ترجمه داریوش آشوری و نادر افشار نادری، چاپ سوم، تهران: انتشارات خورازمی.

## مقالات

ابوطالبی، مهدی. ۱۳۸۷ش، «پوپولیسم»، ماهنامه معارف، شماره ۵۶. ص ۳۴.

اشرف نظری، علی و برهان سلیمی. ۱۳۹۴ش، «پوپولیسم راست افراطی در دموکراسی‌های اروپایی مطالعه‌ی **موردی فرانسه**»؛ فصلنامه دولت پژوهی مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۱، شماره ۴، صص ۱۸۵-۱۵۷.

درگاهی، محمود. ۱۳۷۹ش، «پیشاهنگ سپاه سرخ»، دو فصلنامه ایران شناخت، شماره ۱۷، صص ۲۶-۴۷.

نعمتی قزوینی، معصوم و سهیلا اصغرزاده. ۱۳۹۳ش. «رویکرد استعمارستیزی در اشعار حافظ ابراهیم و میرزاده **عشقی**»، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، سال هشتم، شماره ۳۲، صص ۳۵-۵۳.

## COPYRIGHTS

© 2025 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

**ارجاع:** غیبی عبدالاحد، حسینی توانا نسربین، بررسی تطبیقی اشعار حافظ ابراهیم و ابوالقاسم لاهوتی بر مبنای پوپولیسم، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، دوره ۱۸، شماره ۷۲، زمستان ۱۴۰۳، صفحات ۱۹-۱.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی